



مسنووليت متن و شکل بدوش نويسنده مضمون ميباشد، عقیده نويسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۲۶

رفعت حسینی

## از جنگ های شیخ اجل !!! سعدی شیرازی

سعدی را پوره می شناسید. ابلهان در جغرافیای لسان پارسی او را < دانا و شریف و آموزگار >، تبلیغ کرده اند.

من برخی از آموزش های {برتر} سعدی را گزیده ام:

سعدی

دوش گفتم ز عشق توبه کنم

که گه رفتن از جهان آمد

توبه کردم ازین سخن، که مرا

یاد آن یار دلستان آمد

بر زبان نام کون او بردم

کیر را آب بر دهان آمد

«گفت: هرکس امشب دو رکعت نماز بگزارد، او را حوری دهند که بالای او از مشرق تا به مغرب باشد. کسی گفت: من این نماز نکنم و این حور را نمی‌خواهم. گفتند: چرا؟ گفت: زیرا که اگر سرش در کنار من باشد و در شیراز و بغدادش گایند، مرا چه خبر بُود؟!»  
(کلیات سعدی، به تصحیح محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)، با مقدمه عباس اقبال، شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکاء، ۱۳۴۲ هـ. ق)

ای خواجه اگر باخرد و تمکینی

جز جلق زدن کار دگر نگزینی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

چه خوشتر از آن بود که هنگام جماع

تا دسته فروبری ، سرش را بینی

شیخ اجل سعدی

بی خویش و غریب و خانمانم، چکنم؟

چون تو ندهی و خرنگایم چکنم؟

آمد به نماز آن صنم کافرکیش

ببرید نماز مومنان و درویش

می‌گفت امام مستمند دل‌ریش

ای کاش من از پس بدمی، وی از پیش

گر بر سر بوق من نشینی

دروازه کازرون ببینی

سعدی شیرازی

پیل اگر زخم سیخ او ببند

مرگ را بر حیات بگزیند

کودکی گر بخشک بسپوزد

کیرش تا روز حشر می‌شود

شیخ سعدی

ز چشم مست امید خواب می بینم

تو خوش بخفت، که ما را قرار خفتن نیست

بدیدن از تو قناعت نمی توانم کرد

حکایتی دگرم هست و جای گفتن نیست

\_هزلیات، ص ۲۹۰

////